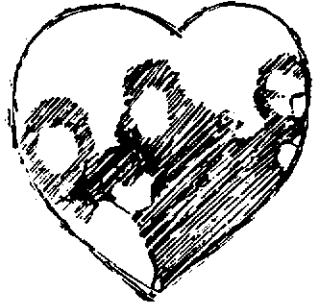


خانواده و فرهنگ عمومی



دکتر مریم خزعلی

مقدمه:

خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسانها در خانواده به هویت و رشد شخصیت دست می‌یابند و در خانواده‌های سالم و رشید به تکامل معنوی و اخلاقی نائل می‌شوند. لذا خانواده نه تنها عامل کمال‌بخشی و سکونت و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در تحولات اساسی جوامع نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و مذهب و آموزش و حکومت نیز از عملکرد خانواده متأثر می‌شوند و این تأثر به صورت متقابل، باعث ایجاد تغییرات اساسی می‌گردد.

بنابراین اگر خانواده محیط سالم و سازنده‌ای داشته باشد و نیازهای جسمی و روانی افراد خویش را برآورد، جامعه به خدمات جانبی و جبرانی کمتری برای خانواده نیاز پیدا می‌کند.

الف) تعریف خانواده

خانواده به گروهی می‌گویند که از طریق نسب یا سبب و رضاع یا فرزند خواندگی به هم



اتما یریدالله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت
و یطهرکم تطهیراً

با سلام بر اهل بیت نبوت، جایگاه رسالت و محل هبوط وحی و معدن رحمت الهی. اهل بیتی که از آدم تا خاتم را کشتی نجات و مایه حیات بود و نور وجودش حیات را احیاء و ثبوت و ولایتش، حقیقت را اثبات نمود.

با درود بر برترین خانواده متعالی و الهی اسلام - خانواده فاطمه سلام الله علیها - که والاترین انسانها را به عالم بشری تقدیم کرد و بزرگترین تأثیر را در فرهنگ جامعه و جهان برجای گذاشت. خانواده‌ای که با پایمردی بر عهد ازلی الهی، منتخب بارگاه ربوبی گشته، مورد عنایت خاص حضرتش واقع گردید و مسؤول ارسال پیام هدایتش برای خلق شد.

نیازهای مادی اعضای خود و رشد و کمال نسل آینده را نیز به عهده دارد.

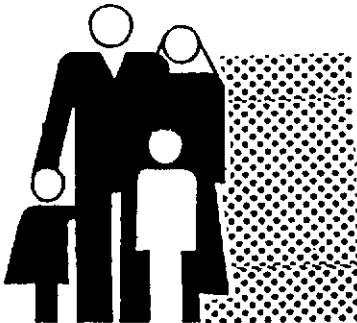
تعریف فرهنگ عمومی

مجموعه آگاهی، بینش و روش افراد، آداب، اخلاق، سنتها و روابط اجتماعی را فرهنگ عمومی می‌نامند.^۱

تأثیر متقابل خانواده و فرهنگ عمومی

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه است و در آن احتیاجات زیستی تأمین شده، تکامل می‌یابد، لذا باید در بنیادی‌ترین مقطع از برنامه‌های توسعه، توجه ویژه‌ای به آن نمود، زیرا در خانواده است که استعدادهای فرزندان شناسایی می‌شود و رشد و پرورش می‌یابد. در خانواده است که انسانها جامعه‌پذیر شده، حضور در مشاغل اجتماعی و مسؤلیت‌پذیری را می‌آموزند، و در نهایت رشد فردی، اخلاقی و علمی و ادبی در خانواده پایه‌گذاری می‌شود و به جامعه تسری می‌یابد.

اما با توجه به اینکه نهادهای آموزشی، دینی و حکومتی بیشترین تأثیر را در تقویت یا تضعیف نقش خانواده ایفا می‌کنند، لذا از اهم ابزار ایجاد فضای مناسب رشد برای امت،



پیوند خورده‌اند، به گونه‌ای که نسبت به یکدیگر صمیمانه متعهد شده، هر یک از اعضاء هويت خویش را وابسته به گروه می‌داند و گروه نیز هویتی ویژه به نام کانون خانواده دارد.

ب (ویژگیهای خانواده

خانواده سازمانی طبیعی و قراردادی است که دارای نظامی قانونمند و حرکتی هدفمند و تعریف شده در فطرت و قرارداد بین انسانهاست، از ساختار ارتباطی پیچیده‌ای برخوردار است، در انجام وظائف و برخورد با مشکلات، ابداعات و ضوابط مؤثری دارد و اعضای آن دارای نقش‌ها و وظائف تعریف شده‌ای هستند. رابطه بین اعضای این سرای فرهنگی، عمیق، فطری، مستحکم، پایدار و با عواطفی سرشار بنا نهاده شده است و افراد خانواده بر اساس ادراکات مشترک، درک واحد از جهان هستی و احساسی هدفمند به یکدیگر پیوند خورده‌اند. هر چند در سیر حیات خانواده شدت پیوند و عواطف نوسان یافته است، اما روح حاکم بر خانواده، هويت ویژه و خاصی را جدای از تک‌تک افراد آن دارد، تا جایی که حتی در خانواده‌های مختل شده نیز افراد جدا شده از خانواده، این هويت جمعی و روحی خانوادگی را با خود حمل می‌کنند و در زندگی بعدی آنها آثار قابل ملاحظه‌ای دارد.

کارکرد خانواده

منظور از کارکرد، نقش یا وظیفه خانواده است که آن علاوه بر تأمین امنیت روانی، کمال‌بخشی، ایجاد آرامش و سرشار شدن از عواطف و لطائف روحی (موده و رحمة)، رفع

هدفمند، قابل اعتماد، قابل کنترل و قابل پیش‌بینی می‌دانند. این خانواده‌ها اعضای خود را افرادی با کفایت می‌پندارند و به تشویق آنها می‌پردازند. این خانواده‌ها هستند که احساس آسایش و امنیت می‌کنند و بعضاً از سختی‌های زندگی هم لذت می‌برند و آن را وسیلهٔ تکامل و زمینه‌ساز رشد می‌دانند.

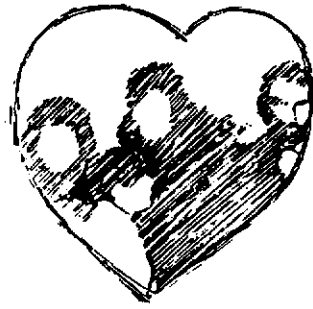
بعضی دیگر از خانواده‌ها، محیط پیرامون خود را ناامن و تهدیدآمیز، بی‌ثبات و خطرناک، گیج‌کننده و آشفته می‌پندارند، لذا سعی در کسب ثبات و آرامش آن دارند و همیشه بر توافق همهٔ اعضاء بر سر همهٔ مطالب اصرار می‌کنند و با این شیوه به حمایت و حفاظت از خودشان در مقابل تهدیدها برمی‌خیزند.

بنابراین ارزشها و نگرشهای حاکم بر افکار والدین، زندگی فرزندان را شکل می‌دهد و به جامعه منعکس می‌کند، زیرا ویژگیهایی مانند سخت‌کوشی، کمال‌طلبی، ایمان و تقیدات مذهبی، نظم و انضباط عملی، وجدان کار و ... عملاً بر شیوهٔ تربیتی خانواده مؤثر است و بازتاب عملی آن را در جامعه و در عملکرد فرزندان می‌توان یافت.

لذا در تشکیل خانواده اساسی‌ترین عامل، تفاهم و توافق دربارهٔ ارزشهاست و تشابه زوجین در نظام ارزشی، مهمترین عامل برای دستیابی به سازش است و مسائل اقتصادی و معیشت و ... در مراحل بعدی قرار دارد. بدین ترتیب بسیاری از ناخشنودی‌ها ناشی از عدم تفاهم در اهداف و نظام ارزشی و الگوپذیری عملی هر یک از زوجین است.

کارکردهای خانواده

در گذشته کارکردهای خانواده عبارت بودند



تشکیل حکومت اسلامی است تا زمینهٔ اعتلای فرد را در جامعه فراهم سازد.

لذا تنوع فرهنگ خانواده در جوامع نمایانگر تنوع موجود در جامعه است. گرچه خانواده نظام، مقررات، آداب و رسوم خاص خود را دارد، و همان‌گونه که فرد تحت تأثیر خانوادهٔ خویش است، خانواده نیز تا حدود زیادی وابسته به جامعه است، اما بین خانواده و جامعه رابطهٔ تعامل و تبادل برقرار است، و مسائل شخصی در یک بافت زیستی، اجتماعی به هم تنیده شده است و مشخصه‌های گروههای اجتماعی عامل مهمی در تعیین نگرشها و ارزشها و الگوهای رفتاری است. این الگوها از طریق خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، و گاه پذیرش این الگو بر ملیت و قومیت و اصالت‌های خودی غلبه می‌کند، به‌ویژه آنکه این الگوها معرف نیازهای روان‌شناختی برای احراز هویت است.

تأثیر ارزشها بر خانواده

یکی از عوامل بسیار مؤثر در رشد و کمال فرد و خانواده، ملاکهای ارزشی و نظام ارزشگذاری فرد و خانواده و جامعه است.

بر اساس نظام ارزشگذاری و دیدگاهها، برخی خانواده‌ها جهان هستی را دارای نظام و

از:

سازمان خانواده در جهان مادی و غرب
سازمان ملل متحد خانواده را چنین تعریف
می‌کند:

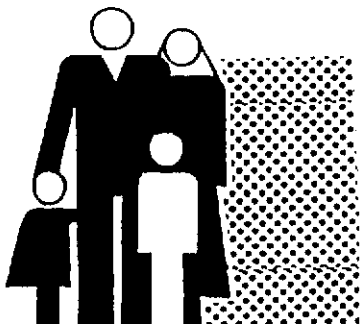
خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای
که با هم زندگی می‌کنند، در آمد مشترک دارند،
و از طریق خون، فرزند خواندگی و یا ازدواج با
هم نسبت دارند اطلاق می‌شود.

بنابر تعاریف اندیشمندان، خانواده و
فرهنگ در غرب به علت پیچیده شدن نظامهای
اجتماعی تغییر زیادی یافته و اجرای برخی از
کارکردهای خانواده، به مراکزی خارج از خانه
سپرده شده است. کارکرد اقتصادی به کارخانه،
اداره و فروشگاه انتقال یافته است، بُعد آموزش
را معلم پذیرفته و حمایت و تأمین امنیت به
نیروهای انتظامی و بیمه‌های اجتماعی سپرده
شده است و برنامه‌های تفریحی در پارکها،
تسلو بیژون، گروههای ورزشی و ... متمرکز
گردیده است. کارکردهای عاطفی نیز به دلیل
مشغولیت بیش از حد اعضاء در خارج از
خانه‌ها، کاهش یافته، حتی کارکرد فرزندآوری
نیز بعضاً در خارج خانه صورت می‌پذیرد، تا
جایی که "رایس" یکی از علمای جامعه‌شناسی
می‌گوید: "در جوامع صنعتی بیشتر مردم در
مراکز شهری زندگی می‌کنند و همسایه‌ها

- ۱- خودکفایی اقتصادی: یعنی خانواده چیزی را
مصرف می‌کند که خود تولید کرده بود؛
- ۲- ایجاد هویت خانوادگی که از هویت فردی
افراد نشأت می‌گیرد؛
- ۳- حمایت‌های روحی، روانی، جسمی، شغلی،
اقتصادی و اجتماعی؛
- ۴- آموزش و پرورش، حتی آموزش شغلی و
مهارت‌های فنی و تربیت بدنی؛
- ۵- اجرای مراسم عبادی فردی و جمعی (ادعیه
و سرود جمعی)؛
- ۶- تأمین تفریح و سرگرمی اعضاء؛
- ۷- تأمین عاطفی اعضاء؛

در یک تعریف جامع و ارزشی، کارکرد
خانواده مطلوب عبارت است از رفع نیازهای
مادی، مشارکت در امور خانواده و انجام
وظایف و تکالیف اخلاقی و شرعی به صورت
متعارف. علاوه بر آن اعضاء خانواده به تبادل
نظر، احساس و عاطفه با یکدیگر می‌پردازند،
به یکدیگر تعلق خاطر دارند، همدیگر را درک
می‌کنند، با تمام وجود و متعهدانه در جهت رفع
نیازهای یکدیگر تلاش می‌کنند و در حل
مسائل و مشکلات، مشاور و کارگشای یکدیگر
و محرم اسرار و غمخوار یکدیگر هستند.

در مرحله بالاتر، خانواده مطروحه در نظام
ارزشی الهی است که محل تعالی و تکامل فرد و
پرورش عبادالله است و علاوه بر تأمین اهداف
مذکور در تعاریف قبیل، بالندگی و رشد و
کمال بخشی به اعضاء آن و ساختن بندگانی
صالح که جهاد در راه اهداف متعالی نظام
اسلامی، اصلاح اجتماع و رشد فرهنگ عمومی
را برترین فوز می‌دانند، از دیگر اهداف آن
است.



است تا بنیان فرهنگی جامعه متزلزل گردد و دست قدرتمندان در ایجاد امواج ساختگی که مورد نیاز مستکبرین است، باز شود و در مقابل متفکرین جامعه در مرحله پیش‌گویی نابودی خانواده، منفعل و مردد مانندند.

علل بحران

اگر جوانب اصلی مسأله بررسی شود، در می‌یابیم که قبل از جنگ جهانی دولتها و کلیسا، ضمن تأکید بر اهمیت خانواده و نقش زن در درون خانواده، سعی در نفی نقش اجتماعی زن داشتند. زنان حق رأی و حضور اجتماعی نداشتند و عموماً کم‌سواد بودند و در سطوح غیرارزشی خرد و حقیر به‌کار گرفته می‌شدند و در حد متوسط و بالاتر از آن در جامعه نقشی نداشتند.

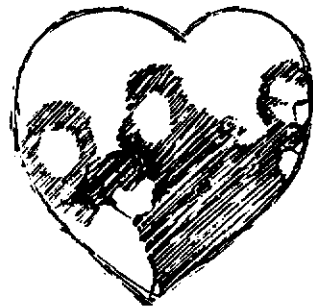
پس از جنگ جهانی، حضور زن در جامعه برای تلاش در جهت کسب معاش خود و فرزندانش مورد سوء استفاده سرمایه‌داران غربی قرار گرفت و برای رواج مصرف‌گرایی، جذب کارگران ارزان و مطیع از بین زنان، توسعه سود و سرمایه و ... با ادعای دفاع از حقوق زن، نهضتی آغاز شد. گرچه تاحدی بطور صادقانه از ظلم مضاعف و بی‌اندازه‌ای که بر زن رفته بود دفاع می‌شد، اما اینکه تا چه حد از مشارکت اجتماعی او برای رسیدن به اهداف قدرتمندان و یا استفاده صوری و ابزاری از زن برای سلطه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی استفاده می‌شد، مجال دیگری می‌طلبد و نیاز به تحلیلی جداگانه دارد.

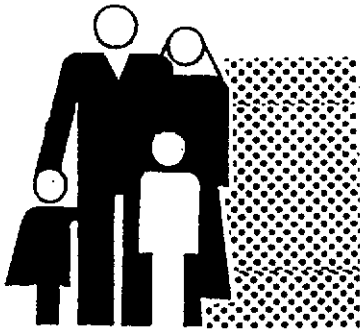
خانواده و فرزندان در فرهنگ مادی غرب خانواده در غرب دچار وضعیت عجیب و

یکدیگر را نمی‌شناسند، برای افراد دوستی و صمیمیت، رفاقت و همراهی و حمایت عاطفی امری دشوار است، نیازهای عاطفی اقلیت نمی‌شود، انسانها احساس تنهایی و طردشدگی می‌کنند، هر چند که در احاطه میلیونها انسان دیگر هستند.

"اشلمن" نیز می‌گوید: "آمار طلاق و ازدواج مجدد افزایش یافته و شمار فرزندان رو به کاهش است. با حذف منع روابط جنسی بدون ازدواج، عده بیشتری از زنان متأهل شاغل می‌شوند و برای اشتغال، بر جوانی و فریبندگی تأکید می‌شود. بنابراین، ازدواجهای چند شوهری، چند زنی، همجنس‌گرایی، ازدواج آزمایشی، ازدواج گروهی، خانواده تک والدینی (والد شدن بدون ازدواج)، گونه‌ای از سازمان خانواده در غرب شده است.

لذا این جوامع در یک بحران بی‌ثباتی و اغتشاش در سطوح فرهنگی، عاطفی و روحی، روانی بسر می‌برند و ارزشهای مذهبی که از طریق اساسی‌ترین ساختار اجتماعی (خانواده) پایه نظام را تشکیل می‌دادند و مرجع اصلی حیات شخصی و اجتماعی فرد بودند، به دلیل قوی بودن موج مدرنیزاسیون، دچار بحران شده‌اند و به گفته آگاهان سیاسی، بیشتر این تلاشها برای متلاشی ساختن خانواده بوده





اختلاط نقشها و تساوی و یکسانی هر دو نقش که برخاسته از دیدگاههای فمینیستی و زن‌گرایانه بوده است، ضربه دیگری بر او وارد کرده‌اند. مردانی که از نقش سنتی و نافذ و تحکم‌گرا بر خانواده‌گریزان بودند، بدون داشتن الگویی مطلوب، با توسل به آزادی افراطی، به رها شدن نظام خانواده مبتلا شدند که بحرانها و سردرگمی‌های نسل جدید را به دنبال داشت. در قبال این تلاشی خانواده، تبلیغات وسیعی برای حمایت از حقوق زن و کودک مطرح شد که ادعا می‌کرد در نظر دارد تا آنها را از قربانی شدن در مقابل خشونت یا دست زدن به خشونت نجات دهد، لذا در کنار خانواده که مهمترین کانون پذیرش و حمایت از زن و کودک بود، اقدام به ایجاد نهادهای حمایتی و مؤسسات عمومی نظیر اتاق حقوق بشر برای زنان فراری از خانه همسر و مراکز حمایت از کودکان و برای طرح مشکلات کودک و ... گردید تا از ناهنجاریهای وخیمی که برای کودک و زن به بار می‌آید جلوگیری شود. اما این مراکز بنا به دلیل جدا کردن کودک از محیط گرم خانواده و احساس عدم هویت و کمبود روابط عاطفی مناسب، خود زمینه‌ساز مشکلات عدیده اجتماعی شده است. مشکل فرهنگی دیگری که به خانواده و

مختلطی شده است. از یک طرف وابستگی متقابل افراطی و از طرف دیگر بی تفاوتی‌های عملی موجب سرگردانی نسل جوان شده است. همچنین نوعی تداخل نقشها و وظایف نه تنها میان مرد و زن، بلکه بین نسلهای موجود آمده است و امکان ازدواج نسل جوان به دلیل بحران اقتصادی، کمبود مسکن، عدم ثبات کار، و طولانی شدن مدت بیکاری، هر روز به تأخیر می‌افتد و با کاسته شدن ارتباط و صمیمیت بین والدین و فرزندان به دلیل اشتغال بیش از حد والدین، و صوری بودن گفت و شنودهای خانوادگی، روابط به سوی فردی شدن و مستقل شدن فرزندان و پناه بردن به همسالان به جای افراد عاقل و با تجربه رفته، تا با ارتباط با جنس مخالف و یا کسانی که چندان صلاحیت همفکری ندارند رشد یافته و شخصیت و هویت مستقل خود را شکل دهند. در خانواده‌های نابهنجار نیز به طریق اولی برای فرار از جدالهای والدین و عدم موضع‌گیری در قبال هر یک از والدین که از فرزند سودجویانه به نفع خود بهره می‌جویند و می‌خواهند تا به نفع آنها در مقابل یکی دیگر از والدین موضع بگیرد، فرزندان را به پناه بردن به محیط‌های نا امن سوق می‌دهد.

والدین که می‌بایست درمی‌یافتند که کودک به حمایت و نظارت آنها توأمأ نیاز دارد و یکی از آنها باید نقش الگویی همجنس را برای او ایفا کند و شخصیت آینده کودک را بنمایاند و دیگری نقش جنس مخالف را به صورت واقع‌گرایانه به او آموزش دهد و طعم عاطفه و احساس و همزیستی و کمال‌بخشی و مودت و رحمت را عملاً به او بیچشانند، متأسفانه با شعارهای آزادی خواهی، دفاع از حقوق زن،

اهم عوامل انحطاط خانواده

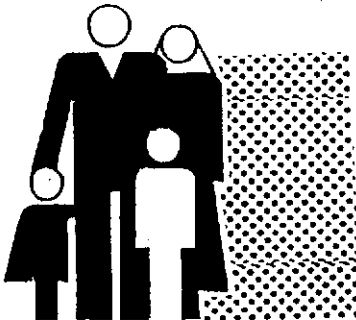
اهم عوامل انحطاط که بر طبق این تحقیق بدست آمده عبارتند از:

- ۱- بحران اساسی خانواده به اقتصاد و اشتغال و نیازهای مادی ارتباط زیادی ندارد؛
- ۲- اشتغال بیش از حد زنان در خارج از خانه بر رابطه آنان با فرزندان و رابطه زوجین تأثیر مهمی دارد؛
- ۳- رفتار مردگرایانه و مستقل زن در جامعه، بر استحکام خانواده و همگرایی عاطفی آن تأثیر منفی گذارده است؛
- ۴- نیاز به حفظ شغل و درآمد برای تداوم زندگی زنان امری مهم است که حتی منجر به سقط جنین و ... برای حفظ موقعیت شغلی شده است؛

۵- از دست دادن حمایت همه جانبه مرد و تنها ماندن زن، او را مجبور به ایفای هر دو نقش نموده است که در نهایت موجب ایجاد نقص در خانواده و ضربه به حیات خویش شده است؛

۶- تفاوت نقشها بین زن و مرد که سرچشمه غنا، رفاه و مصلحت خانواده و جامعه می باشد، از بین رفته و باعث تخریب خانواده و جامعه شده است؛

۷- عدم احساس نیاز به تشکیل خانواده یا تداوم آن، به دلیل ضعف احساس تأمین



ساختار آن ضربه وارد آورده است ناهمگونی ساختار شهرها، خانه‌ها و مدارس با معیارهای مورد نیاز کودک است. همچنین محلی برای رشد همزیستی انسان منظور نشده است، حتی پارک‌ها و اسباب‌بازیهای خشن و هیجان‌زاد، الگوهای خشک و بی‌روحي برای پرکردن اوقات فراغت به کودک تحمیل می‌کند و در حالی که پژوهشگران اعلام می‌کنند اسباب‌بازیهای نامطلوب نظیر تفنگ، کارد، شلاق، تانک و بازیهای الکترونیکی باعث افزایش پرخاشگری و ستیزه‌جویی در کودکان می‌شود، اما می‌بینیم که روز به روز بر وسعت و تعدد انواع آنها افزوده می‌شود.

در مدارس نیز اگر چه متون آموزشی با محتوای خوبی از مسائل اخلاقی و معنوی تدوین و تدریس می‌شود، اما کودکان از یک طرف تحت تربیت لسانی و شفاهی اخلاقی، و از طرف دیگر در مقابل عملکرد متضاد و نامتناسب و غیراخلاقی معلمان و مربیان و والدین، نه تنها تأثیری از تعلیمات اخلاقی نمی‌گیرند، بلکه دچار تضاد نیز می‌شوند و آثار سوء این دوگانگی در عمل آنها مشهود است.

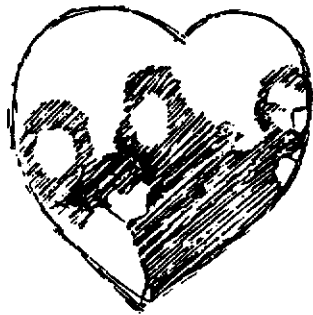
از طرف دیگر تهاجم و نفوذ شدید الگوها و نمادهای رفاهی و خوشگذرانی که بر زمینه‌ای از خلاء عاطفی و نیز غریز و نیازهای فطری وارد شده است، جوانان را به سوی زیبایی فیزیکی و تقلید از مدهای مطرح شده در تبلیغات جذب نموده است و در نهایت با پوچ‌گرایی و اتخاذ روشهایی از جمله فرار، خودکشی و ... حمایت و نظر والدین و جامعه را به نیازهای اساسی خود جلب می‌کنند.

خانواده و فرهنگ در انقلاب اسلامی

در ایران پس از انقلاب اسلامی، علی‌رغم فرهنگ مهاجم و مستولی غرب و فرهنگ ستمشاهی، تلاشهای وسیعی در جهت تغییر و ارتقاء و رشد فرهنگی انجام شده است، نهادها و مؤسسات و مراکز در جهت حمایت و هدایت فرهنگ جامعه و خانواده ایجاد شده و پژوهشهای اساسی در زمینه‌های مختلف فرهنگی در حال انجام است که نتایج بعضی از تحقیقات نشانگر شدت اثر اعتقادات دینی در فرهنگ جامعه و استحکام بسیار مطلوب خانواده در ایران است و خانواده ایرانی یکی از کارآترین خانواده‌هاست که نقشهای خود را به بهترین وجه ایفا می‌کند.

موضوع یکی از این پژوهشها، بررسی عوامل مؤثر کارآیی خانواده در خانواده‌های ایرانی است، این پژوهش حاکی است:

طی چند دهه اخیر، تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح جهان موجب دگرگونیهای مهمی در خانواده شده است. این دگرگونیها، کارکردها و الگوهای بافت دیرین خانواده را به هم ریخته و آن را در یک گذار تاریخی قرار داده است؛ و چنانچه الگوهای تازه‌ای توسط رهبران فکری و اجتماعی جامعه عرضه نگردد، خانواده برای عبور از این گذار، رهایی از سرگردانی، قهرآ به اولین الگوهایی که در دسترس باشد، توسل جست به آن خو می‌گیرد. لذا برای پیشگیری و در شرایطی هم، برای درمان مشکلات به‌وجود آمده، باید با استفاده از منابع غنی فرهنگ اسلامی و با معرفی الگوهای اصیل و مناسب خانواده به یاری‌اش شتافت. اما گام نخست در این راه، شناخت دقیق و واقع‌بینانه خانواده در جامعه



نیازهای عاطفی و عدم مراقبت و توجه و حمایت زوجین از یکدیگر در نسل جوان، رو به افزایش است؛

۸- طرد سالمندان از خانواده به عنوان موجوداتی مزاحم و پرتوقع، دردمند و نیازمند حمایت دائمی، روبه افزایش است که باعث از دست دادن تجربیات آنها به عنوان الگوهای اصیل فرهنگی برای نسلهای بعد می‌شود، زیرا در هر خانواده چهار نسل یکدیگر را درک می‌کنند: پدر بزرگ‌ها، پدران میانسال، جوانان و کودکان؛

۹- تضعیف نقش مذهب به دلیل عدم حضور اعضای خانواده در مراسم مذهبی کلیسا، کنیسه، مسجد، مصلی و آموزش دعای ردی در خانواده که توسط والدین و در جمع صمیمی خانواده و کنار میز غذا عملی بود.

در نهایت بحران موجود در جامعه پیشرفته مادی (که از نظر فن‌آوری به توفیقاتی نیز دست یافته است) رو به افزایش است و تقاضای پاپ در سال جهانی خانواده تأمین مادی مادران برای بازگشت به خانواده است. او تنها راه نجات را "درک اینثار خویش" و در جای دیگر به نام ساختن "تمدن عشق" می‌نامد و مهمترین ابزار برای رسیدن به این هدف را دعا و عبادت می‌داند!

گفت و شنود می‌نشینند و همچنین به خوبی و با توجه، به هم گوش می‌سپارند. اگر عضوی از خانواده با دیگران گفت‌وگو نکنند، به جست‌وجوی دلیل آن بر می‌آیند. آنها می‌کوشند با همدلی، یکدیگر را درک کنند. ارتباط اعضای صادقانه و گسترده و به دور از سلطه‌جویی، مهار یکدیگر، مقصر دانستن دیگری و زرنگی است.

۴) صرف وقت برای با هم بودن - خانواده‌های سعادت‌مند، برنامه‌های خود را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که اوقات و زمانی کافی را با هم بگذرانند و از تفرق و تکروری در اوقات فراغت خویش پرهیز می‌کنند. آنها نیز تحت فشار فعالیت‌های متعدد، از کمبود وقت در رنجند، ولی از نیاز خود به "صرف وقت با یکدیگر" آگاهند.

۵) توانایی حل مشکل - مشکلات، خانواده‌های مستحکم را به هم نزدیک می‌کند، اما دشواریها، خانواده‌های نامستحکم را از هم می‌پاشد؛ این یک اختلاف تعیین‌کننده است. اعضای خانواده کامیاب برای رویارویی با خطرهای یک بحران، با هم متحد می‌شوند. در چنین مواقعی، خانواده‌های گسترده به دلیل وسعت امکانات، از شرایط بهتری برخوردارند. آنها برای کمک به خانواده بطور جدی می‌کوشند تا مخاطرات را از آن دور کنند. خانواده‌های مستحکم به خاطر تعهدات بنیادی و ارتباط گسترده، به هنگام بروز بحران، توانایی و تعاون بهتری در حل مشکلات دارند. آنها از این اتحاد و تعاون برای تجلی تعهد خویش به یکدیگر استفاده می‌کنند.

۶) نیکویی روحی - این ویژگی یکی از مایه‌های اصلی جاری در میان خانواده‌های

کنونی ایران، با همه ضعفها و قوت‌های آن است. سپس می‌توان به خانواده برنامه داد که در موقعیت کنونی، چگونه کارآیی خود را به حداکثر رساند تا به شکل آرمانی نزدیکتر شود. خانواده‌های مستحکم در شش ویژگی مشترک‌اند:

۱) تعهد - اعضای خانواده‌های مستحکم نسبت به یکدیگر متعهدند. آنها برای خانواده به عنوان واحدی که حتی برتر از نیازها و آرزوهای فردی آنان قرار دارد، احترام قائلند. چنین نیست که آنها دورانه‌های دشواری نداشته باشند. این خانواده‌ها در حایه‌هایی که مصون از گزند مشکلات باشد، زندگی نمی‌کنند. مشکلات در دوره‌های مختلف زندگی گریبانگیر آنان می‌شود، ولی نه تنها در تعهد آنها نسبت به یکدیگر خللی وارد نمی‌آورد، بلکه آنان را مقاومتر و کارآزموده‌تر نیز می‌کند. اعضای خانواده‌های مستحکم برای پیگیری اهداف شخصی خویش به یکدیگر آزادی و میدان می‌دهند و در عین حال از اهداف و فعالیت‌هایی که وجود خانواده را به عنوان یک کل، مورد تهدید قرار می‌دهد، دوری می‌گزینند.

۲) احترام - اعضای خانواده‌های کامیاب برای یکدیگر ارزش قائلند. آنها این امکان را دارند که احترام بگذارند و احترام ببینند. آنها از خرده‌گیری، تحقیر و مجادله پرهیز می‌کنند. آنان با یادآوری فضایل و کردارهای مثبت یکدیگر می‌کوشند نقاط ضعف، کمبودها و خطاهای هم را بپوشانند.

۳) ارتباط - اعضای خانواده‌های شادکام، بویژه زن و شوهرها، وقت بیشتری را به گفت‌وگو با یکدیگر می‌گذرانند. آنها بدون واژه، درباره همه چیز و همه کس با هم به

سید محمود محمودی

مادر سالک

بِسْمِ ذَاتِ خَالِقِ يَكْتَا قَدِيرِ
آنکه بر کون و مکان باشد مدیر
تا به ملکِ جان و دل حق، مالک است
هادی گم کرده راه و سالک است
گل نشانه‌ها دارد از خُسن خدا
بلبل از عشقِ لقا دارد نوا
مادرِ سالک به راه و سربدار
سرنوشت‌آید از زو پروردگار
سالک آن، مادر بود کارد به راه
کودکِ گم کرده ره را در پناه
عشقِ حق چون بردلی بابد رهی
می شود فسارغ دل از هر گمرهی
مادر روشن ضمیر و حق پرست
لحظه‌های پر بها ندهد ز دست
بر چنین مادر درود و تهنیت
کوزند نقشی به دل از تربیت
مادر نیکو چه نیکو پرورد
کودکش در دامن مهر از خرد
مادرِ خوش نیت و خوش فکر و ذوق
کودکان را پرورد با شور و شوق
جانِ مادر پیشِ کودک بی بهاست
چونکه جان از قید تن هر دم رهاست
دیده هر نوجوانی در بلوغ
از نگاهِ مادرش گیرد فروغ
آن فروغ از آن دل پر مهر اوست
آن فروغ از آن گلِ خوش عطر و بوست
بر نکو مادر بسی از نه فلک
سجده می آرد به روز و شب ملک
جهد و کوشش چون کند در راه حق
از شفق پیامی نهد سوی فلک

مستحکم و خوشبخت است. گرچه خانواده‌های مورد مطالعه، زمینه‌های مذهبی مختلفی داشته‌اند، ولی همگی دارای خصیصهٔ "نیکویی روحی" بوده‌اند. راستی، صداقت، وفاداری، پایبندی به وجدان، تقوا و اخلاقیات، قدرشناسی، خیر بودن، عزت نفس و کرامت از جمله صفاتی هستند که برای توصیف "نیکویی روحی" در این خانواده‌ها نام می‌برند. آنها شخصیت خانواده‌های مستحکم را بسیار فراتر از خودخواهی‌های سطحی یافته‌اند.

به عقیدهٔ "کولایتو" (۱۹۹۱) "خانوادهٔ کارا"، خانواده‌ای است که علی‌رغم تحولات درونی و بیرونی بتواند به موقع و به‌طور شایسته‌ای از عهدهٔ ایجاد اصلاحات لازم در کارکردها و ساختار خود برآید. او ملاک کارایی خانواده را نبود فشار روانی، تعارض و مشکل در آن نمی‌داند، بلکه در این می‌بیند که خانواده تا چه حد در تحقق وظایف و کارکردهایش توانایی نشان می‌دهد.

پاورقی:

در مجموعهٔ نگرش دینی، گاه فرهنگ به ملت ابراهیم نامگذاری شده و رها کردن دین و آیین ابراهیم را که منجر به تغییر فرهنگ می‌شود، از سفاقت و جهالت انسانها می‌داند.

نقل از نشریات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان

